



کولیهای برزیل

نوشته اتیکو ویلاس - بوآس داموتا

شدند؛ بقیه مستقیماً در بنادر برزیل پیاده شدند. کالونسها بعضی از آداب و رسوم محلی خویش را حفظ کرده‌اند، اما در عمل بازیابی آنها مشکل است، زیرا اغلب کالونسها تمایل به پنهان کردن منشأ خود دارند. آنها در ریو دو ژانیرو خود را به عنوان مهاجران پرتغالی معرفی می‌کنند و بسیاری از آنها به تجارت در مقیاس کوچک و بزرگ، کار در کاباره‌ها، مغازه‌ها، هتلها و یا به رانندگی تاکسی می‌پردازند. رمها از طریق دوره گردی به فروش کالاهایی نظیر روتختی و فرش می‌پردازند، در کار خرید و فروش ماشینهای دست دوم وارد می‌شوند و اجاقها و ظروف آشپزخانه‌های بیمارستانها، هتلها و پادگانها را تعمیر می‌کنند. آنها مسگران ماهر معروفی هستند. اغلب کولیهای برزیل به گروههای زیر تعلق دارند: گروه کالدراش که خود را از اشراف و محافظان واقعی هویت کولیان به شمار می‌آورد؛ گروه مجوایا که تمایل به ترک زندگی چادرنشینی و مخفی کردن کولی بودن خویش دارد و در نتیجه در حال از دست دادن هویت است؛ گروه روداری که اغلب آنها از رومانی آمده‌اند و در سانتویاتولو و ریودو ژانیرو زندگی مرفهی دارند؛ گروه هوراهانی که اصلاً از یونان و ترکیه آمده‌اند و بیشترشان دستفروش هستند؛ و گروه لوآرا که فرهنگ آنها در حال اضمحلال است و خود را به عنوان مهاجران ایتالیایی معرفی

علی‌رغم خدمتی که می‌کردند مجبور به ترک محل سکونت خود می‌کردند تا جا برای تبعیدیهای پرتغال فراهم شود.

حضور کولیها در برزیل در آغاز به دلیل تعقیب منظم آنها از سوی دستگاه تفتیش افکار بود که آنها را مرتد و جادوگرانی به حساب می‌آورد که مطلوب جامعه نیستند. انتقال کولیها به برزیل یکی از تنبیهات سختی بود که در مورد آنها اجرا می‌کردند و اولین کولی، آنتونیو دوتورس، در ۱۵۷۴ وارد برزیل شد. در طی دوران استعمار فعالیتها و محل سکونت کولیها تعیین شد و اقداماتی در مورد استفاده آنها از زبان و لباس خود صورت گرفت.

بر طبق نظر متخصصان کولیهایی که در فاصلهٔ میان قرن شانزدهم و نوزدهم در برزیل سکونت گزیدند به دو گروه عمده تعلق دارند: کالونس‌ها یا کولیانی که از پرتغال به برزیل آمدند و رمها یا کولیانی که بعد از رسیدن برزیل به استقلال سیاسی در ۱۸۲۲ از جاهایی غیر از شبه جزیرهٔ ایبری وارد برزیل شدند. کولیهایی که در قرن بیستم در برزیل سکونت گزیدند عمدتاً از شبه جزیرهٔ بالکان یا اروپای مرکزی آمده‌اند. بسیاری از آنها از طریق مکزیک آمدند و دیگران قبل از اینکه در برزیل و کشورهای همسایه پخش شوند به منطقهٔ ریودولاپاتا وارد

با اینکه کولیها از قرن شانزدهم به بعد در برزیل بوده‌اند، اما به طور همه جانبه مطالعاتی دربارهٔ آنها صورت نگرفته است. البته ردپای تاریخ کولیها را می‌توان در آثار استادان اولیه‌ای که نقش کولیها را در مهمترین مراحل تشکیل ملت برزیل آشکار ساخته‌اند، یافت. این نکته روشن است که بعضی از کولیها به باندیراها تعلق دارند، گروههای ماجراجو و پویندهٔ منطقهٔ سانتویاتولو که جزیره را در جستجوی طلا و سنگهای قیمتی ترک کردند. کولیها در جریان تجارت بردگان سیاه نیز دخالت داشتند و این امر در تابلو کنده کاری شده‌ای متعلق به قرن نوزدهم اثر هنرمند فرانسوی ژان باتیست دبیره، نقاش دربار پدروی اول، امپراتور برزیل، که محل سکونت یک تاجر بردهٔ ثروتمند کولی را در ریو دو ژانیرو نشان می‌دهد، مشاهده می‌شود.

در سال ۱۸۰۸ هنگامی که ژان ششم، پادشاه پرتغال، و خانواده‌اش از برابر سپاه مهاجم فرانسه گریختند و در برزیل اقامت گزیدند، اجتماعات بزرگی از کولیان در باهیا، پرنامبوکو، ریودو ژانیرو، و میناس گرائیس می‌زیستند. گزارشهای همان زمان شرح می‌دهند که چگونه سازمان‌دهندگان تفریحات سلطنتی به دلیل فقدان یک گروه رسمی رقص کولیها را برای رقصیدن در قصر نامنویسی می‌کردند و چگونه بسیاری آنها را



خانواده‌هایی از چیگانو کاوالیروس‌ها (کولیانی که با اسب مسافرت می‌کنند) در مناطق مرکزی برزیل یافت می‌شوند. معلوم نیست که آیا آنها همواره از همین شیوه برای نقل و انتقال استفاده کرده‌اند یا اینکه به خاطر شرایط طبیعی زمین و یا پیوستن به باندریاهای بوینده و ماجراجو مجبور به ترک کالسکه‌های خویش شده‌اند.

جشن عروسی میان دو گروه از کولیانی مشهور در برزیل مرکزی - گروه کالدرانش و میچوایا. کالدرانشها خود را حافظان واقعی هویت کولی می‌دانند، در حالی که میچوایاها به ترک زندگی چادرنشینی متمایل‌اند.

می‌کنند. تعداد دقیق کولیانی که امروزه در برزیل زندگی می‌کنند مشخص نیست. تخمین ۶۰۰۰۰ رازده‌اند، اما عده‌ای برآند که رقم واقعی بالای ۱۰۰۰۰۰ است. مؤسسه جغرافیا و آمار نیز رقم مطمئنی در اختیار ندارد، زیرا کولیها در پرسشهای آماری معمولاً خود را به عنوان برزیلی یا متعلق به ملیتهای دیگر معرفی می‌کنند. کولیهای برزیل دست کم به سه زبان سخن می‌گویند: رمانی (زبان اصلی آنها که خود آن را رمانس می‌نامند)، پرتغالی و اسپانیایی. آنهايي که کمابیش به الگوهای فرهنگی خویش وفادار مانده‌اند، بدون استثنا، تقریباً بیسوادند. از سوی دیگر «کولیانی که کولی بودن خود را پنهان می‌کنند» از باسواد شدن و گرفتن مشاغل آزاد و آبرومندانانه اجتماعی احساس فخر می‌کنند. در میان کولیها حقوقدان، پزشک، دندان‌پزشک، قهرمان ورزشی و همچنین خواننده رادیو، اجراکننده تلویزیون، و فوتبالیست وجود دارند که البته همیشه حاضر به پذیرش اصلیت خویش نیستند.

گایوها (گاجه یا غیر کولیانی) هیچ چیز درباره کولیها نمی‌دانند و قادر نیستند به طرز تلقی آنها از جهان پی ببرند. دیواری از جهل دوجانبه کولیها را از غیر کولیها جدا می‌کند؛ از آنجایی که هیچ کوششی در جهت نزدیکتر کردن آنها به یکدیگر صورت نمی‌گیرد، هر طرف به طرف دیگر ادامه می‌دهد و پیشداوریهای موجود درباره فرهنگ کولیانی همچنان ادامه خواهد یافت.

هواداری از کولیانی در مطبوعات آغاز شده است و اقداماتی که از طریق سازمانهای بین‌المللی در جهت بهبود «موقعیت کولیها» صورت گرفته بر مبنای سه اصل بنیادی استوار است: ۱) حق اردو زدن در هر یک از اجتماعات برزیلی به نحوی که چادرنشینان همواره در برخورد با مقامات مسئول قرار نگیرند؛ ۲) حق برخورداری از خدمات پزشکی و بخصوص واکسیناسیون؛ ۳) امکان سوادآموزی به زبان رمانی (زبان کولیها) و به زبان پرتغالی به طوری که بتوانند فرهنگ و زبان خویش را حفظ کنند. واضح است که بهترین نظام آموزش برای چادرنشینان نظام مدارس فصلی است. به این ترتیب کولیانی در سراسر دوران تکامل تاریخی و فرهنگی برزیل حضور داشته‌اند. گرچه مطالعاتی که درباره کولیانی صورت گرفته اندک است، با این حال امکان ندارد بتوان فرهنگ برزیل را بدون در نظر گرفتن سهمی که کولیانی در هنر، ادبیات، نام‌شناسی مکانها، آداب و رسوم، و زندگی سنتی آن کشور داشته‌اند درک کرد.

